

دستگیری دختر ۱۵ ساله به اتهام ارتباط نامشروع با ۲ مرد

دختری که در سن ۱۵ سالگی عجولانه ازدواج کرد در مدت کوتاهی طلاق گرفت و با دو مرد غریبه رابطه نامشروع برقرار کرد و در نهایت در دام پلیس گرفتار شد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران؛ سمانه که دختر ۱۵ ساله از اتفاقات تلخ زندگی اش صحبت کرد و گفت: من بچه بودم و خوب و بد را تشخیص نمی دادم. اما او که مردی ۴۱ ساله است با سوء استفاده از اعتماد مادرم، مرا شیفته محبت های دروغین خودش کرد و برای این که بتواند نقشه های شوم خود را عملی کند یک گوشی تلفن همراه و سیم کارت اعتباری برایم هدیه خرید.

این دختر جوان در ادامه بیان کرد: خانواده ام از این بابت خیلی خوشحال شدند و از این مرد حقه باز تشکر کردند ولی از همان روز پیامک بازی های او شروع شد و به من پیشنهاد دوستی داد و من با دریافت این پیامک ها خیلی ناراحت شدم و گفتم موضوع را به خانواده ام اطلاع می دهم. اما این مرد شیطان صفت تهدیدم کرد اگر یک کلمه حرف بزنم مادرم را از کار اخراج خواهد کرد. «نقی» آن قدر سماجت نشان داد و با جملات عاطفی و خرید کادوی جشن تولد و... روی احساساتم پا گذاشت که فریبش را خوردم و....

سمانه افزود: ما یک سال به طور پنهانی با هم رابطه داشتیم تا اینکه والدینم فهمیدند چه حماقت بزرگی کرده ام. مادرم که کارگر خانه این مرد هوس باز بود به خاطر این مساله با نقی درگیر شد و کار خودش را از دست داد. البته او خیلی زود به استخدام یک شرکت درآمد و کار مناسبی برایش جور شد؛ مدتی از این ماجرا گذشت و چون خانواده ام نسبت به من بدبین و بی اعتماد شده بودند و زیر ذره بین قرار داشتیم تصمیم احمقانه دیگری گرفتم و با پسر عموم ارتباط برقرار کردم. او که جوانی الف و بیکار بود به خواستگاری ام آمد و با وجود آن که پدر و مادرم جواب منفی داده بودند با امیر فرار کردم و والدینم مجبور شدند از ترس آبروی شان با ازدواج ما موافقت کنند. دختر جوان ۱۵ ساله در ادامه گفت: متأسفانه این ازدواج عجولانه به سرنوشت خوبی ختم نشد و در مدت کوتاهی فهمیدم شوهرم به کراک و شیشه آلوده است و او حتی می خواست مرا هم به دام مواد مخدر و فساد اخلاقی بیندازد. با نگرانی موضوع را به خانواده ام اطلاع دادم و در سن ۱۵ سالگی، مهر طلاق صفحه شناسنامه ام را سیاه کرد. البته این تنها اشتباه زندگی ام نبود و در ادامه من در برابر این شکست تلخ نتوانستم طاقت بیاورم و متأسفانه دوباره با نقی تماس گرفتم و او با بهانه کمک و جبران اشتباهات گذشته مرا به مردی ۵۰ ساله که از اقوام شان است معرفی کرد و



این مرد هوس باز که همسر و سه فرزند دارد به خواستگاری ام آمد. اما پدر و مادرم مخالفت شدید خود را با این پیشنهاد اعلام کردند. من که فقط دنبال راه نجاتی بودم ارتباط مخفیانه ام را با او و نقی ادامه دادم و بالاخره به اتهام رابطه نامشروع دستگیر شدیم.

سمانه با ابراز پشیمانی توصیه ای به هم سالان خود داشت و گفت: ای کاش با پدر و مادرم دوست بودم تا چنین سرنوشتی برایم رقم نمی خورد. من از دخترهای هم سن و سال خودم خواهش می کنم مراقب خودشان باشند و هیچ مساله ای را در زندگی از پدر و مادرشان مخفی نکنند.